

احساس و خیال

پشت لبفندی پنوان هر پیز
روزی دار دیوار زمان، که از آن پوره‌ی من پیدا است
پیزهایی هست که نمی دانم
می دانم، سبزه‌ای را بکنم فواهم مرد
می روم بالا، تا اوج، من پر از بال و پر
راه‌های بینم در ظلمت، من پر از خانوسه
من پر از نورم و شن
و پر از دار و درخت
پر از راه، از پل، از رود، از موج
پر از سایه‌ی برگی در آب:
چه درونم تنه‌است.

سهراب سپهری

ماهگیر

آن پیر ماهگیر
وقتی به دریا رفت
با تور و با قلاب
با قایق ما رفت

همراه او بودم
تا ساحل دریا
با پیر دریایی
با پیر بی‌همتا

او مرد خوبی بود
او یار بابا بود
پشمان زیباییش
هم‌رنگ دریا بود

وقتی که می‌راند او
در آب آبی رنگ
گفتم فدا یارت
ای پیر فوش آهنگ

از پیش پشمانم
پاروزنان می‌رفت
خوبی کبوتر هم
از آسمان می‌رفت

محمدرحسن داوریان

جدول

قانه قانه جدولت حل می‌شود
پر شده هر قانه از فوشالی‌ات
هر جوابی را که پیدا کرده‌ای
کم شده از قانه‌های قالی‌ات

پاسخ پنج عمودی «آب» بود
پاسخ هشت عمودی «لکشان»
قوس زیبایی که باران فورده است
هفت رنگ و نام آن «رنگین‌کمان»

جدولت این بار دنیایی شده
«دشت» و «چنگل» را در آن جا داده‌ای
«ماه» و «فورشید» و «زمین» و «آسمان»
قانه‌هایی را به «دریا» داده‌ای

جای «انسان» در کجای جدول است؟
فکر کن، شاید که پیدایش کنی
حرف‌ها را در کنار هم بچین
تا که بشناسی و معنایش کنی

قانه‌ها حالا که یک یک پر شده
رمز این جدول برایت آشناست
آن که طرح جدول هستی از اوست
نام زیباییش سه حرف است و خداست.

محمود لشگری